

سبک زندگی از دیدگاه امام صادق (ع) با رویکرد درخت فرهنگ

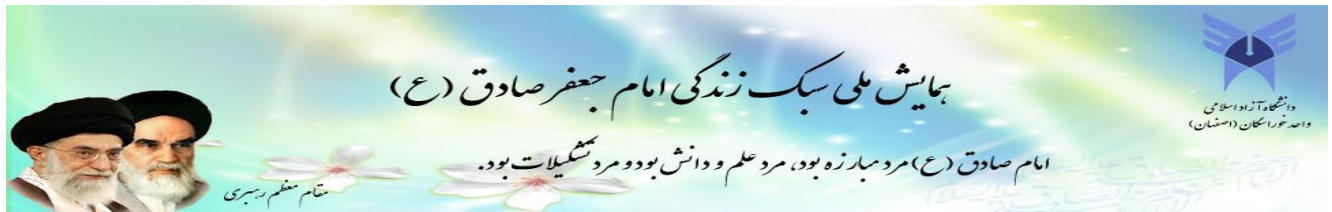
زهرة سبقت الهی ۱

دکتر حمید دوازده امامی ۲

چکیده

همیشه در طول تاریخ سعی انسانها بر آن بوده است که راه و رسم زندگی را به نیکوترین نحو بیاموزند و یک زندگی سعادت‌مندانه را تجربه کنند و اما از منظر اسلام آموختن سبکی خردمندانه که انسان را یاری دهد تا بتواند به نیکوترین وجه در راه سعادت گام بردارد بسیار حایز اهمیت بوده و هست و بسیاری از تعالیم اسلامی از جمله احادیث و روایات نیز بر مبنای ایجاد آگاهی و نگرش صحیح در این زمینه آمده است در این میان داشتن مربی و راهنمایی آگاه، صادق و دلسوز جزء اولین نیازها بوده است و یافتن چنین راهنمایی برای پیروان راه حقیقت دغدغه ای بزرگ. به این ترتیب علاوه بر استفاده از قرآن به عنوان منشاء عظیم آموزه های اسلامی شاید آنگونه که باید از احادیث امامان و به ویژه امام صادق (ع) استفاده نشده باشد و از آنجا که گستره ی سخنان ایشان به قدری عظیم است که زمان و مکان را بر نمی تابد می توان الگویی مطلوب برای زندگی را از آموزه های ایشان طراحی کرد و در همه زمانها از آن استفاده نمود تا با استفاده از آن سبک زندگی خدا پسندانه را به عنوان الگویی مطلوب ارایه نمود که البته نقش ایشان در غنی سازی ریشه درخت فرهنگ بسیار مهم بوده است تا آنجا که بندگی خداوند به عنوان ریشه این درخت معرفی گردیده و مسیر رسیدن به آن با پیروی از دستورات دین وفقه جعفری به عنوان بدنه و تنه درخت در نظر گرفته شده و در نهایت فهم عمیق از دین، تدبیر در زندگی و صبر بر مشکلات است که همان مفهوم زندگی دینی از منظر ایشان می باشد به عنوان میوه و ثمره این درخت معرفی شده است و توجه به این مولفه ها ما را در رسیدن به سبکی از زندگی متعالی یاری خواهد کرد.

کلید واژه ها: سبک زندگی، زندگی خداپسندانه، درخت فرهنگ، بندگی



۲- عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان

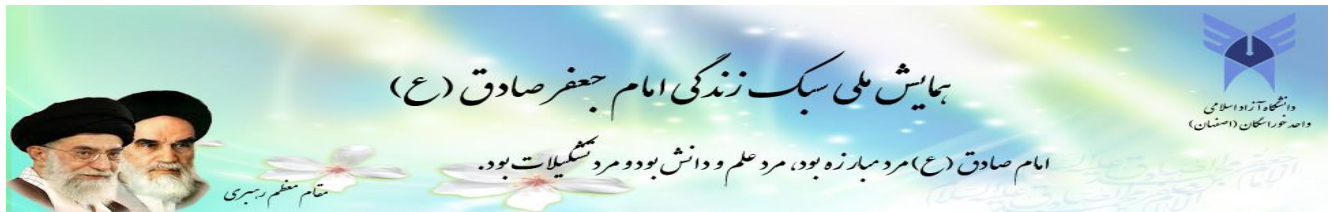
مقدمه

در فهم مدل زندگی خدایسندانه همواره باید مولفه های متعددی را مد نظر داشت و در مورد آنان تامل و تدبر کرد که در این میان استفاده از آموزه های امام صادق (ع) و به طور کلی عمل به دستورات دین مهم تلقی گردیده به عنوان الگویی بی همانند مورد نظر قرار گرفته است. بدیهی است این مساله نیاز به مطالعه، آموزش و پذیرش معیارهای مفید دارد. در واقع سعی بر آن بوده است تا با بهره گیری از آن امام وارسته راهی درست را برای رسیدن به مقام بندگی پیموده در نهایت با تدبر در سخنان امام صادق (ع) می توان بندگی خداوند را به عنوان ریشه و مولفه اصلی و هدف نهایی مطرح نمود. در این میان پس از بیان درک مشترکی از فرهنگ به طرح مدل «درخت فرهنگ» اشاره شده و ارائه مدلی برای زندگی خدایسندانه و احیای آموزه های امام صادق (ع) در این راستا مد نظر قرار گرفته است. سپس با بیان احادیث و روایت به تشریح آن پرداخته شده که تعمق در دین، برنامه ریزی در زندگی و شکیبایی بر نامرادی ها و احسان به دیگران از آن جمله می باشند و پس از آن توصیه به احسان و کمک به دیگران به عنوان دیگر مولفه ها بیان شده و علاوه بر آن بر نقش پیامبران و امامان به عنوان راهنمایانی صدیق که توجه به آموزه های آنان سعادت زندگی انسان را میسر می سازد مطرح گردیده است و اما رسیدن به مقام بندگی جزء با حقیقت ایمان امکانپذیر نبوده و نخواهد بود.

وقتی سخن از سبک زندگی و رفتارهای آدمی در زندگی روزمره پیش می آید آنچه در ذهن تداعی می شود فرهنگ است. با تشخیص جایگاه سبک زندگی در فرهنگ انسانها می توان سبک زندگی مطلوب را شناسایی و در رسیدن به آن همت گمارد.

((اگر از فرهنگ به عنوان درک معانی مشترک یاد کنیم و آن را وسیله ای بدانیم که گروهی از انسانهای متفاوت را در جهتی واحد و در زمینه خاص به حرکت در می آورد می توان آن را ستون فقرات و برپا دارنده ثبات در نهاد های اجتماعی

بدانیم.)) (فرهنگی، ۱۳۷۷، صفحه ۸۲)

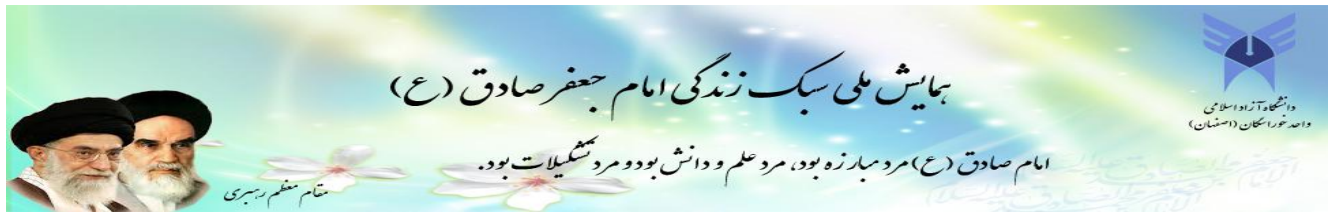


((شاین سطوح فرهنگ و تعامل آنها را با یک دیگر مورد توجه قرار داده و در مطالعات خود فرهنگ را به مثابه یک پیکر واحد می بیند که از سه بخش متمایز به یک دیگر ولی در عین حال مرتبط به هم پدید آمده است و هر بخش ، بخش دیگر را کامل می کند ،در اولین سطح مدل شاین،موضوعات و مخلوقات دست بشر قرار دارد.در زیر این سطح ارزش ها و هنجارهای رفتاری نهفته است و در عمیق ترین سطح فرهنگ زنجیره ای از باورها ومفروضات اساسی قرار گرفته اند.)) (فرهنگی،۱۳۸۶،صفحه ۹۳)

به این ترتیب هر فرهنگ ویژگی های خاص خود را دارد که براساس آن ویژگی ها هویت خود را شکل می دهد، برای شناخت بهتر این هویت در اینجا به طرح مدل «درخت فرهنگ» اشاره می شود.(فرهنگی ،۹۰،۱۳۷۷) مدلی که در آن فرهنگ به گونه ای استعاره ای، همانند درخت تصور می شود که در خاک خاصی رشد کرده و بالنده می شود و شامل اجزایی چون ریشه، تنه ساقه و در نهایت شاخه و برگ و میوه است. با به کارگیری این استعاره درمورد فرهنگ و عملکرد آن در یک جامعه می توان مفهومی پیچیده و انتزاعی چون فرهنگ را تحلیل نمود. اگر ریشه های عمده فرهنگ را درهنر، اسطوره ها، زبان و مذهب جستجو کنیم. می توان تفاوت های بارزی میان فرهنگ های مختلف یافت.)) (فرهنگی،۱۳۸۶،صفحه ۹۱)

((بنابراین با مطالعه دقیق درخت فرهنگ می توان این گونه بیان کرد که ریشه ها منابع فرهنگی هستند که فرهنگ با آنها نفس می کشد و بالنده ی می شود (هنر، اساطیر، مذهب، ادبیات) و اما ساقه درخت که ساختار اجتماعی جامعه است شامل مفاهیم ، فلسفه، خط مشی ها می باشد و اما برگ ها که همان جلوه های بیرونی فرهنگ هستند شامل رفتار و صفات و ارزش های افراد جامعه است.)) (فرهنگی، ۱۳۷۷ صفحه ۹۰)

درواقع می توان گفت سبک زندگی بیرونی ترین لایه فرهنگ و به عبارتی شاخ و برگ درخت است در قرآن کریم وقتی سخن از ((مشی)) آدمیان به میان می آید فقط سبک راه رفتن آنان مراد نیست بلکه در تفاسیر سبک زندگی را هم لحاظ کرده اند .



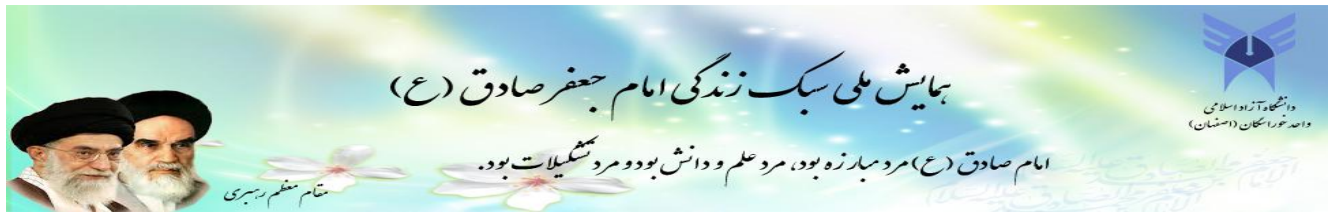
به عنوان مثال ((بندگان خدای رحمان کسانی هستند که در راه رفتن متواضع اند)) را مراد تعادل در سبک زندگی دانسته اند و در تفسیر آیه ۶۳ سوره فرقان که در مورد عبادالرحمن آمده است می خوانیم که امام صادق (ع) فرمودند: مراد از «هونا» زندگی کردن بر اساس فطرت و هماهنگی با روحیه ای است که خداوند آفریده است (قرائتی، ۱۳۷۹، ص ۲۷۸)

بنابراین تعمق در دین و آموزه های آن انسان را به سر منزل سعادت خواهد رساند و بالاترین مدال برای انسان مدال بندگی حق است. اگر سبک زندگی شاخ و برگ درخت فرهنگ باشد ریشه و تنه ی آن از منظر اسلام و آموزه های دینی چیست؟ تا با توجه به آنها سبک زندگی متعالی گردد.

در همان مثال در آیه ی ۶۳ سوره فرقان سبک زندگی متعادل را خداوند متعال به بندگان حقیقی خود نسبت می دهد پس یکی از ریشه های این نوع سبک زندگی اعتقاد و باور به این است که آدمی باید خود را در خدمت بندگی خدا قرار دهد چرا که با این باور به صفات بندگان خدا متصف خواهد شد. آیات ۶۳ تا پایان سوره مبارکه فرقان به این صفات پرداخته است.

در این بین نقش امام صادق (ع) در طراحی سبک زندگی اسلامی بسیار چشمگیر بوده است ایشان در دورانی که بر مسند تدریس بوده اند تمام تلاش خود را به غنی سازی ریشه درخت فرهنگ در تشیع پرداخته اند گویی ایشان به این نتیجه رسیده بودند که سیر تاریخ اسلام تا آن زمان نیاز به بازسازی فرهنگی دارد و اگر این بازسازی صورت نگیرد ریشه فرهنگ دین از بین خواهد رفت و اثری از درخت تنومند اسلام باقی نخواهد ماند. شاید نتوان در تاریخ همانند مدرسه امام صادق، مدرسه ای فکری یافت که بتواند نسل های متوالی را تحت تأثیر خود قرار دهد و اصول و افکار و اعتقادات خود را بر آنها حاکم سازد و مردمی متمدن و فرهیخته با کیان و موجودیتی یگانه بنیان نهاده باشد، البته اشتباه است اگر بخواهیم دستاورد های این مدرسه را به معاصران آن محدود کنیم بلکه دستاورد های علمی و دینی این مدرسه در اندیشه هایی است که در جامعه ایجاد کرده و در مردان پرورش یافته و بالنده ای است که سیمایی تاریخ را دگرگون ساخته اند (مدرسی، ۱۳۸۱، صفحه ۱۳-۱۴)

در واقع می توان گفت یک مکتب وقتی می خواهد پیروان خود را بسازد از راه ارائه طریق و ایجاد انگیزه در آنها این کار را انجام می دهد. پس ناچار هدف و ایدئولوژی خود را به پیروان خویش معرفی می کند، در این میان نقش امام صادق (ع) در احیاء و انتشار حقیقت اسلام به عنوان سیستمی فکری و اجتماعی و هدف والای آن که ترسیم انسان کامل است چشمگیر



و قابل ستایش است. ایشان در مباحث اخلاقی مانند سایر موضوعات تعالیم ارزشمند بسیاری را به وسیله شاگردان خود منتشر کردند و بدون آنکه اصطلاحات مشکل حکمت عملی را به کار ببرند و در تنگنای استدلالی خشک و برهانی قرار گیرند با استمداد از مکتب وحی حقایق اخلاق را به طرز روشن بیان فرمودند. (مفتح، ۱۳۶۰)

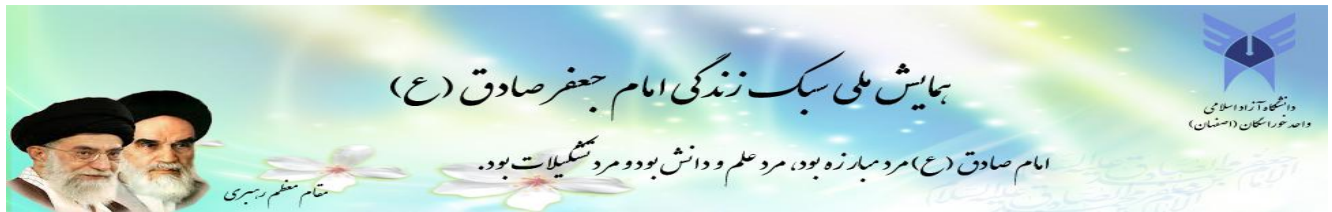
در سیره امام صادق علاوه بر توصیه های موکد ایشان بر سبک زندگی خداپسندانه به باورهایی اشاره می شود که اساس و ریشه آن سبک زندگی است .

در داستان بشر حافی که شهید مطهری در کتاب داستان و راستان نقل میکند امام صادق(ع) سبک زندگی بشر را مبتنی بی اعتنائی او نسبت به بندگی خدا می داند و اینکه ((اگر بشر خود را بنده واقعی می دانست اینگونه زندگی نمی کرد)) حاکی از توجه امام به باورها و اعتقادات و تاثیر آن بر روش و شیوه ی زندگی است .

البته توصیه امام صادق در رسیدن به بنده واقعی خدا آنست که اگر می خواهد به حقیقت ایمان دست یابد بایستی مواردی را در زندگی خود به کار گیرد :

بنده حقیقت ایمانش به حد کمال نرسد تا آنکه در آن سه ویژگی باشد. اندیشه عمیق در دین، برنامه ریزی دقیق در زندگی مادی و شکیبایی بر نا مرادی ها(بحار الانوار ۶۷/۳۰۰)

می توان گفت امام صادق (ع) در این سخن سه محور اصلی از سبک زندگی اسلامی را به تصویر کشیده اند و این صفات را برای کسی متصور شده اند که ایمانش به حد کمال رسیده باشد اما اینکه اهمیت اندیشیدن در دین ، برنامه ریزی در زندگی و شکیبایی در نردبان سعادت انسان چه جایگاهی دارد، قابل بررسی و تأمل است. ((از این منظر تفقه از نظر معنا با تعقل پیوند نزدیکی دارد. اما دقیقاً به آن معنا نیست ، تعقل به معنای خوب فکر کردن است و تفقه یعنی تعقل صریح ، یعنی تعقلی که عمیق تر بوده و عقل در فکر نفوذ بیشتری دارد . از قرن سوم هجری به عده ای از دانشمندان که در فروع دین تخصص پیدا می کردند اصطلاحاً فقیه گفته اند ولی قبل از آن در متون دینی اصطلاح تفقه به معنای عمیق فکر کردن در دین است و در قرآن هم به همین معنا آمده است. حضرت علی(ع) می فرمایند : دین را به طور عمیق تحقیق کن تا آن را بفهمی و همت تو بر این باشد که نهنگ وار ، اقیانوس دین را درنوردی، نه این که دین را برکه ای ببینی و مانند یک ماهی ساده و خرد در آن حرکت کنی. در واقع می توان اشاره کرد فهم ضعیف از دینداری همواره سبب شده است که ضربه های

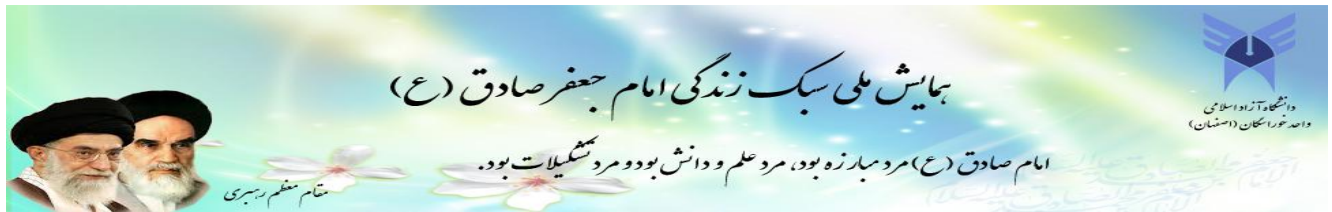


زیادی بر ما وارد شود، در روایت آمده است. عبادت هرکس را به اندازه ای قبول می کنند که دین را می فهمد از این منظر کسانی که فهمشان از دین سطحی بوده دینشان را از دست داده اند نه آنان که در دین تعمق کرده اند.)) (طاهرزاده، ۱۳۸۲) در واقع می توان گفت هیچکس نمی تواند از نقص به کمال برسد مگر از راه تفکر و تدبر که تفکر کلید اسرار و چراغ انوار تعریف شده است و راهی است برای نزدیک شدن به کمال و عظمت پروردگار و آنجا که سخن از دین می شود و سبک یک زندگی متعالی به میان می آید می توان گفت اصول دین همانا ریشه درخت دین و فروع آن همانند شاخ و برگ آن می باشند و اخلاق میوه و ثمره آن است و همانطور که درخت در صورتی نتیجه بخش است که سه قسمت نامبرده کامل باشد ایمان شخص نیز در صورتی نتیجه بخش خواهد بود که اصول و فروع و اخلاق او کامل باشد

قرآن کریم در مثالی می فرماید: ((مثل کلمه پاک توحید مثل درخت پاک و سالمی است که در زیر زمین ریشه دوانده و شاخه هایش سر به آسمان کشیده است، این درخت میوه ده و ثمر بخش است، همیشه بهار است و همیشه میوه می دهد در همه فصلها و روزها میوه فراوان دارد که تمام ناشدنی است)) (ابراهیم، ۲۴ و ۲۵) ((استاد مطهری می فرماید این مثل در مورد کسانی است که درخت خدانشناسی در زمین روحشان دمیده است. شاخه های این درخت از اعتقاد به نبوت و ولایت و وجود ادیان و راهنمایان الهی و همچنین اعتقاد به حقانیت جهان است. میوه های این درخت شرافت و کرامت است، عفت و تقوا، احسان و گذشت و... است)) (مطهری، ۱۳۸۲، ص ۱۴) بنابراین دین که سازمان فکری و اعتقادی و اخلاقی عظیمی است به عنوان رکن اساسی محسوب گردیده است و تدبر و تعمق در آن برای شناخت راه سعادت ضروری است

و اما دین در دو مقام برای انسان لازم و ضروری است هم برای سازگار ساختن زندگی اجتماعی با زندگی فرد یعنی ایجاد عدالت اجتماعی و هم در ایجاد توافق در روحیه فرد با مصالح جامعه و اینجاست که اهمیت دین که اساسش توحید و ایمان به خدای یگانه است مشخص می شود (مطهری، ۱۳۸۲، ص ۲۵)

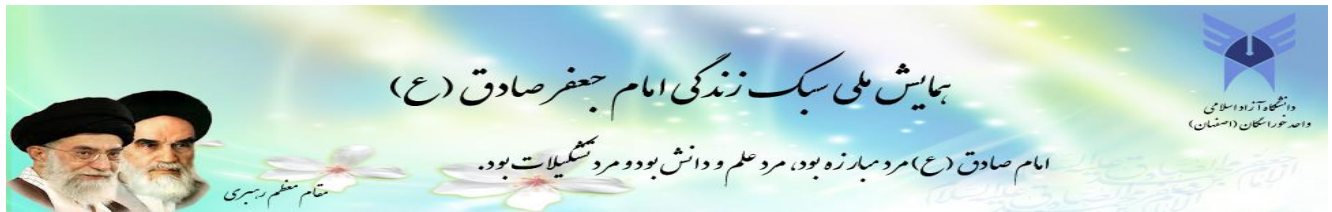
((همیشه عقل، آدمی را به راه صلاح رهنمود می کند و چه صلاحی بالاتر از معتقد شدن به مبانی دینی، که در واقع دین، آن است که عقل به سوی آن، راهنمایی می کند و دین همان گوهر گرانبهایی است که درباره آن تعقل و تفکر شده است و این مسأله به زیبایی در این سخن متبلور شده است.)) (حکیم، ۱۳۷۴)



خداوند اهل ایمان را به سخن حق و درست برای همیشه ثابت و پا برجا و تزلزل ناپذیر نگه می دارد، در دنیا و آخرت. در سخنی زیبا از فرزند ایشان امام موسی کاظم آمده است ((التدبیر نصف العیش)) تدبیر و مدیریت، نیمی از زندگی است (تحف العقول، صفحه ۴۰۳)

اما میتوان گفت اساساً زندگی و خوشبختی مانند یک محل و یک ساختمان که از مصالح گوناگون از جمله خشت و گل بنا شده باشد درهایی دارد که انسان باید در ابتدا درها را بشناسد و سپس خود را عادت دهد که همیشه از راه راست و مستقیم به زندگی وارد شود و خوشبختی را جستجو نماید ((میچ از ره راست بر راه کج-چو در هستی حاجت به دیوار نیست)) و این یک قاعده کلی در زندگی بشر است، چشم بصیرت می خواهد که راههای صحیح ورود به محوطه زندگی را بشناسد و پشت دیوار و حصار زندگی معطل و متحیر نماند (مطهری، ۱۳۸۲، صفحه ۴۰) ((پیغمبران الهی آمده اند که به ما راه زندگی و به تعبیر دیگر در ورودی زندگی و خوشبختی را نشان دهند، در ورودی زندگی نیکی و نیکو کاری، راستی و درستی و استحکام اخلاقی و خیر خواهی و مهربانی است. تنها ایمان و اعتقاد به معنویت و سپس نیکو کاری بر اساس آن اعتقاد مقدس است که قلب را آرام و رضایت خاطر را تأمین می کند و سعادت را میسر می سازد و منتهای سعادت همین است که آدمی در ناحیه عقل و فکر، دارای محکم ترین اطمینان ها و در ناحیه احساسات و قلب دارای پاک ترین نیتهای و در ناحیه عمل دارای نیکو ترین عمل ها باشد.)) (مطهری، ۱۳۸۲)

((و اما صبر بر نا مرادی ها نتایج بسیار دارد. که از جمله آنها تربیت نفس است، اگر انسان مدتی در پیشامد های ناگوار و بلیات روزگار و در مشقت عبادت و مناسک و تلخی ترک لذات نفسانی به واسطه فرمان حضرت ولی النعم، صبر کند و تحمل سختی ها را گر چه سخت و ناگوار باشد بنماید. کم کم نفس عادت می کند و سختی تحمل مشقات بر آن آسان می گردد و برای نفس ملکه راسخه نوریه پیدا می شود که به واسطه آن از مقام صبر ترقی می کند و به مقامات عالیه ناقل می گردد بلکه صبر در معاصی منشأ تقوای نفس است و صبر در طاعات، منشأ انس به حق گردد و صبر در بلیات منشأ رضا به قضای الهی شود و اینها از مقامات بزرگ اهل ایمان، بلکه اهل عرفان است. در حدیث شریفی از اهل بیت ستایش بلیغ از صبر گردیده است. حضرت صادق می فرماید ((صبر نسبت به ایمان به مثابه سر است نسبت به تن، پس وقتی سر رفت، جسد برود، و همین طور وقتی که صبر رفت، ایمان برود. (اصول کافی، ج ۲، صفحه ۸۷))



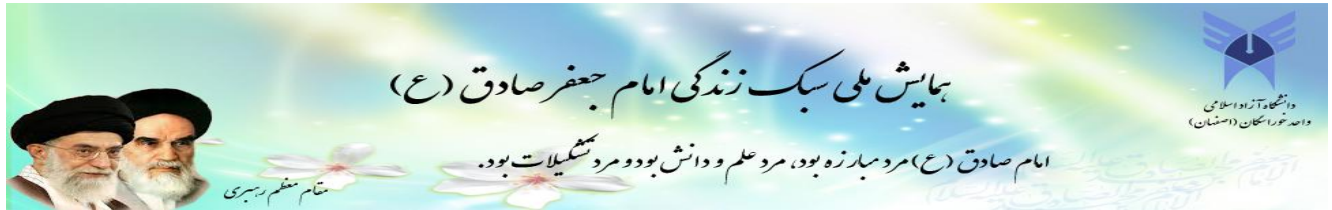
صبر نه تنها کلید ابواب سعادت و منشاء نجات از مهالک است بلکه صبر بلیات را بر انسان آسان می کند و مشکلات را سهل می نماید و عزم و اراده را قوت می بخشد و مملکت روح را مستقل نماید)) (امام خمینی، ۱۳۷۸، صفحه ۲۶۲)

می توان گفت یکی از اموری که در موفقیت انسان تاثیر بسزایی دارد و شرط موفقیت در کارهای مهم است صبر زیاد است و کم صبری مانعی برای انسان است تا بر کارهایی که در آن مستعد است مداومت ورزد ((از دیدگاه علامه طباطبایی صبر عبارت است از اینکه انسان در قلب خود استقامتی داشته باشد که بتواند کنترل نظام نفس خود را که استقامت امر حیاتی انسانی و جلوگیری از اختلال آن بستگی به نظام دارد، در دست گرفته دل خود را از تفرقه و نسیان در تدبیر و خبط فکر و فساد رای جلوگیری کند)) (طباطبایی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۴۱)

پس اساس سبک زندگی و ریشه ی آن از منظر امام صادق(ع) بندگی خداست و توصیه امام به بنده واقعی خدا رسیدن به حقیقت ایمان است که در صورتی حاصل می شود که سبک زندگی مبتنی بر فهم عمیق دین ، تدبیر و برنامه ریزی در امور زندگی و نیز تحمل و بردباری در برابر مشکلات می باشد .

در آیات سوره فرقان به سبک زندگی بندگان خدای رحمان می پردازد و اشاره به انفاق و تعادل در این امر شده است . توگویی کسی که اساس زندگی خود را بر بندگی قرار داده و طرح نسبتاً جامعی از اخلاق اسلامی به دست میدهد تا آنجا که دعا میکند که سرمشق طالبان کمال باشد از دیگر بندگان خدا هم غافل نیست . در این راستا امام صادق(ع) در خصوص روابط اجتماعی و سبک زندگی اجتماعی توصیه به احسان و کمک به دیگران می کند.

امام صادق(ع) می فرماید: در نیکی رساندن به برادران خود با یکدیگر مسابقه بگذارید و اهل نیکی باشید. زیرا بهشت را دری است بنام معروف «نیکی و احسان» که جز کسی که در دنیا نیکی کرده داخل آن نشود . همانا بنده در راه برآوردن حاجات برادر مؤمن خود گام بردار و خدای عز و عجل بر او دو فرشته نگارد. یکی در طرف راست و دیگری در جانب چپ او که برایش از پروردگار آموزش خواهند و برای روا شدن حاجت او دعا کنند. سپس فرمود: به خدا چون مؤمن به حاجتش رسد پیغمبر از خود او مسرورتر است.(الکافی/ترجمه ا مصطفوی/ج ۳/۲۸۰/۱۰/صفحه ۲۸۰)



در این حدیث به یکی از شاخه های بزرگ احسان که همان خیرخواهی است اشاره است. امری که ثواب آن را حدی نیست و احادیثی که از امامان مختلف در این زمینه رسیده است فراوانند. رسول خدا فرمودند: گاهی مؤمن حاجتی از برادرش بر او آورده می شود و نمی تواند روا کند ولی دل او به آن مشغول می گردد و در اندیشه آن است. خدای تبارک و تعالی او را به سبب همین اندیشه و اهتمام به بهشت می برد .

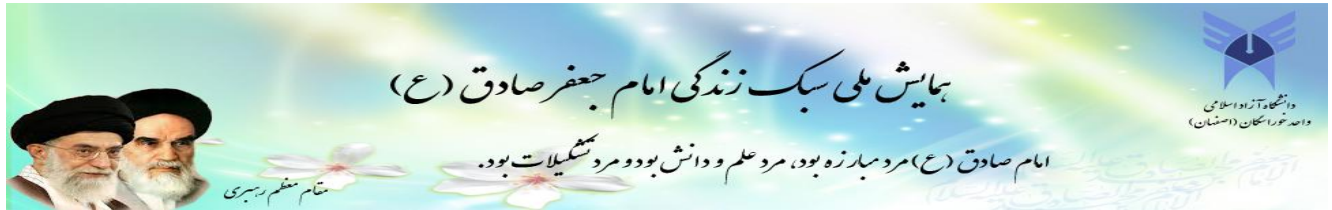
و امام صادق در نامه خود به ابن جندب می نویسد ((کسی که در برآوردن ساختن حوائج برادر ایمانی اش قدمی بردارد مانند کسی است که سعی بین صفا و مروه انجام می دهد. و اگر شخصاً نیاز او را برآورد ثواب کسی را دارد که در راه خدا و در جنگ بدر واحد جهاد کرده و در خون خود غلطیده است. (بحارالانوار، جلد ۷۵، باب ۲۴، حدیث ش ۱)

در اخبار و روایات آمده است که کمتر حقی که مومن نسبت به مومن پیدا میکنند این است که باید هرچه را برای خود دوست می دارد برای او دوست بدارد و هرچه را برای خود مکروه می دارد برای او مکروه بدارد یعنی کمترین حق او این است که خود را به جای او فرض کند (مطهری، ۱۳۸۲، ص ۲۸۸)

امام صادق (ع) نیز فرمودند: خودت را همواره به جای دیگران بگذار و برای آنها همان را بخواهی که برای خود می خواهی (مطهری، ۱۳۸۲، ص ۲۳۰) و در جایی دیگر آمده است تا زمانی که مومن در راه کمک به برادر دینی اش باشد خدا در راه کمک به اوست (اصول کافی، ج ۳، ص ۲۸۳)

و همه احادیث فوق نشان میدهد که در نگاه ایشان هرکس که طالب خیر و نعمت برای دیگران باشد در هر خیری که به ایشان برسد شریک است و این صفت چنان مهم شمرده شده که در سوره مایده آیه ۲ آمده است در کارهای خوب، در احسان و بانی خیر شدن و بر اقامه تقوی و طهارت، یکدیگر را اعانت کنید و به کمک یکدیگر بشتابید. بنابراین اگر در جامعه روح اجتماعی و حس همدردی و همکاری وجود داشته باشد آن جامعه زنده و پایدار است و حتی اندیشه کار خیر نیز راهی است به بهشت و برای چنین پادشاهای متعددی از جمله رضایت خدا و پیغمبر، روا شدن حاجات خود شخص، ثوابی در حد جهاد و انجام اعمال حج و... بیان شده است .

متأسفانه در شرایط کنونی ما که هجوم اشتغالات روزمره ما را از برخی فضایل و حسنات دور نگاه داشته است برای این که از این سردرگمی خارج شده و سبک زندگی اسلامی را سرلوحه قرار دهیم، چاره ای نداریم جز آن که به دامان آموزه

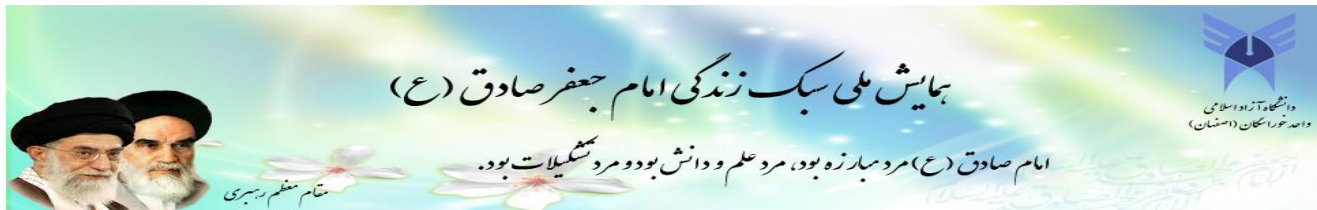


های قرآن و اهل بیت (ع) بازگردیم و خود را از این اقیانوس معنا سیراب کنیم در واقع ما باید با الگوگیری از سیره و زندگانی ائمه اطهار (ع) به ویژه امام صادق (ع) به عنوان ریس مذهب جعفری ، گامی محکم در این راه برداریم تا بتوانیم الگویی همه جانبه را برای دنیا و عقبای خود رقم زنیم و رنگ و بویی معنوی به زندگی خود ببخشیم .

نتیجه گیری

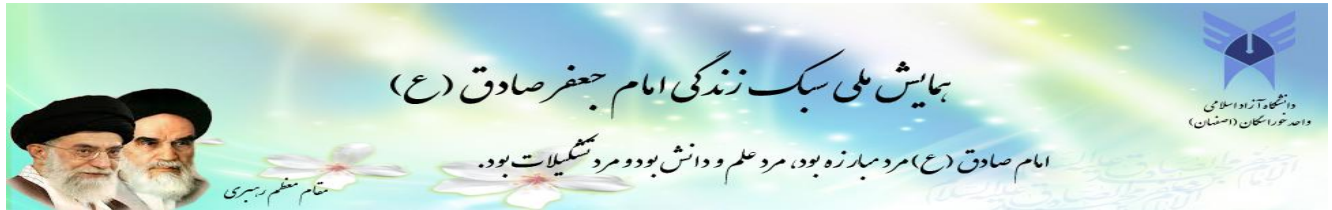
به نظر می رسد برای رسیدن به سبکی از زندگی متعالی در کنار قرآن ، بهره گرفتن از سخنان امامان بویژه امام صادق (ع) ما را در پیمودن راه سعادت یاری خواهد کرد در واقع می توان گفت اگر برای آغاز راه تکیه گاه ما که همان باورها و اعتقادات ما را تشکیل می دهد ریشه ای محکم داشته باشد جلوه های بیرونی آن که همان سبک زندگی است نیز به بهترین وجه نمود خواهد کرد پس اساس سبک زندگی و ریشه آن از نگاه امام بندگی خداست که از بالاترین فضایل بشری شمرده می شود و منتهای سعادت همان است که انسان در ناحیه عقل و فکر و قلب و احساس به کمال مطلوب برسد و خود را به صفات نیکو متصف کند که همه ی این عوامل باعث برخورداری بیشتر انسان از رضایت در زندگی و رضایت حق تعالی می گردد و این اولین گام در بالارفتن از نردبان سعادت مندی است .

و چون بنده دل در گرو محبت خدا نهد آغاز مسلمانی اوست و چون روی به آن محسن ازلی کند خود نیز نیکوکار می شود و او را محسن می خوانند.



منابع

- امام خمینی، ۱۳۸۷، شرح چهل حدیث، چاپ بیستم، تهران، مؤسسه نشر آثار امام خمینی
- حکیم، سید محمد تقی، ۱۳۷۴، سخنان حضرت موسی بن جعفر، چاپ دوم، تهران نشر فرهنگ اسلامی
- طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۷۹، ترجمه موسوی همدانی، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- مدرسی، محمد تقی، ۱۳۸۱، هدایتگر راه نور، چاپ چهارم، تهران، انتشارات محبان الحسین
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۲، حکمت‌ها و اندرزها، چاپ پانزدهم، تهران، نشر صدرا
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۸، ده گفتار، چاپ پانزدهم، تهران، نشر صدرا
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۳، بیست گفتار، چاپ نهم، تهران، نشر صدرا
- مفتح، محمد، ۱۳۶۰، مکتب اخلاقی و تربیتی امام صادق، تهران، نشر جهان آرا
- نریمانی، علیرضا، ۱۳۸۷، آیینۀ سخن، چاپ اول، قم، نشر ابتکار دانش



نراقی، مهدی، ۱۳۷۲، ترجمه مجتبوی، چاپ سوم، انتشارات حکمت

فرهنگی، علی اکبر، ۱۳۸۶، مقاله مدیریت دولتی و فرهنگی اجتماعی، مجله علوم مدیریت، شماره ۱

فرهنگی، علی اکبر، ۱۳۷۷، مقاله نظری به فرهنگ، مجله نامه فرهنگ، شماره ۳

طاهرزاده، اصغر، ۱۳۸۸، فرزندان این چنین باید بود، چاپ چهارم، اصفهان، نشر لب المیزان